

وزرای روحانی سفیر می‌شوند؟

سفرای ایران در پکن و مسکو روی استیج



راهی برای تعمیق روابط دوجانبه طراحی شده است. با این حال، اجرایی شدن این سند نیازمند هماهنگی های دیپلماتیک قوی و حضور فعال سفیر

ایران در پکن است.

در شرایط کنونی، با توجه به بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید و امضای یادداشت اجرایی برای به صفر رساندن صادرات نفت ایران به چین، اهمیت حضور یک سفیر مقتدر و باتجربه در پکن بیش از پیش آشکار می‌شود. چین یکی از معدود خریداران نفت ایران در شرایط تحریم است و حفظ این بازار برای اقتصاد ایران حیاتی است. سفیر ایران در پکن می‌تواند با رازینی های دیپلماتیک، از اعمال فشارهای آمریکا بر چین جلوگیری کرده و مسیرهای جایگزین برای تجارت نفت و سایر کالاها را تسهیل کند. علاوه بر این، مذاکرات هسته‌ای ایران با قدرت های جهانی، که چین نیز یکی از طرف های آن است، نیازمند هماهنگی نزدیک با پکن است. علاوه بر مسائل اقتصادی و هسته‌ای، چین به‌عنوان یک قدرت جهانی در تلاش است تا جایگاه خود را در نظم چندقطبی تقویت کند. حمایت چین از عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای و گروه بریکس، نشان دهنده همسویی استراتژیک دو کشور در برابر یکجانبه‌گرایی آمریکاست. با این حال، سیاست دوگانه چین در حفظ روابط با ایران و هم‌زمان گسترش همکاری با رقبای منطقه‌ای تهران، نیازمند مدیریت دقیق دیپلماتیک از سوسی ایران است. سفیر ایران در پکن باید توانایی ایجاد توازن در این روابط پیچیده را داشته باشد.

عبدالرضا فرجی‌راد، سفیر سابق ایران در نروژ در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

اروپا با مکانیسم ماشه، دنبال جلب توجه ترامپ است

اوکراین، همکاری ایران با روسیه و همچنین موضوع تعرفه‌های تجاری به‌شدت بحرانی است. این احتمال وجود دارد که اروپا، به‌دلیل لجبازی با ترامپ، مانع از حل‌وفصل کامل مسئله‌های ایران شود. علاوه بر این نشانه‌هایی وجود دارد که اسرائیل – که اکنون سیاست‌هایش در مورد مسئله هسته‌ای ایران تا حدی با آمریکا در تضاد قرار گرفته – تلاش می‌کند به‌نوعی به کشورهای اروپایی نزدیک شود. این‌ها جزئیاتی‌اند که باید به آن‌ها توجه کنیم. بااین‌حال امیدواری‌هایی وجود دارد که در روز شنبه آینده، هم‌زمان با مذاکرات بین ایران و آمریکا، مذاکراتی نیز بین ایران و اروپا برگزار شود. در روزهای اخیر، عباس عراقچی، معاون وزیر امور خارجه ایران اظهاراتی در این باره مطرح کرد و گفت ایران پیشنهادهایی برای مذاکره به طرف‌های اروپایی ارائه داده، اما آن‌ها تمایلی به ادامه گفت‌وگوها نشان نداده‌اند. در واکنش به این اظهارات، طرف فرانسوی به‌سرعت پاسخ داد و اعلام کرد فرانسه به گفت‌وگو با ایران در مورد مسائل هسته‌ای تمایل دارد. این موضع‌گیری فرانسه ظاهراً در تضاد با اظهارات وزیر امور خارجه این کشور در شورای امنیت بود که روز گذشته بیان شده بود.

همچنین اخیراً پیام‌هایی بین ایران و اروپا ردوبدل شده است. ایران به طرف‌های اروپایی پیشنهاد کرده‌هم‌زمان با برگزاری دور چهارم مذاکرات ایران و آمریکا در رم در آینده نزدیک، مذاکراتی نیز بین ایران و اروپا برگزار شود. اخبار در این زمینه متناقض است؛ برخی گزارش‌ها حاکی است اروپایی‌ها به این پیشنهاد پاسخ مثبت داده‌اند، درحالی‌که برخی دیگر می‌گویند هنوز پاسخی از سوی اروپا در یافت نشده است. بااین‌حال به نظر می‌رسد موضوع در مسیری قرار گرفته که احتمال برگزاری مذاکراتی بین ایران و اروپا را تقویت می‌کند. با توجه به این مقدمه نمی‌توان گفت ایران صرفاً با تمرکز بر مذاکرات با آمریکا می‌تواند به نتیجه مطلوب برسد، بدون آنکه نیازی به گفت‌وگو با اروپا احساس کند، حتی وزیر امور خارجه فرانسه روز گذشته در شورای امنیت تهدید کرد ایران بیش از ۱۰ سال است که تعهدات خود درقبال آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را به‌طور کامل رعایت نکرده، بنابراین ما مکانیسم ماشه را فعال خواهیم کرد.

در مذاکرات اخیر در رم شاهد بودیم که ترامپ در گفت‌وگو با ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین حضور داشت. تصویری که در رسانه‌ها منتشر شد، نشان‌دهنده حذف صندلی امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه بود. آیا می‌توان این گونه برداشت کرد که آمریکا تمایل دارد اروپا را در پرونده‌های سیاست خارجی خود کنار بگذارد؟ دلیل این رویکرد چیست؟

درواقع ترامپ اساساً به اتحادیه اروپا به‌عنوان یک نهاد منظم و همگرا اعتقادی ندارد. هفته گذشته ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان در مصاحبه‌ای اعلام کرد ترامپ چندین بار با او تماس گرفته و پرسیده چرا مجارستان از اتحادیه اروپا خارج نمی‌شود؟ این موضوع نشان‌دهنده آن است که آمریکا، تحت‌رهبری ترامپ، به‌صورت جدی در حال تضعیف جایگاه اتحادیه اروپاست، همچنین در کنفرانس امنیتی مونیخ، اظهارات توهین‌آمیزی از سوی نمایندگان آمریکا علیه اروپا مطرح شد. این‌ها همه نشان‌دهنده آن است که آمریکا تلاش می‌کند راست‌گرایان را در اروپا به قدرت برساند. در مجموع این اقدامات حاکی است که آمریکا دیگر به اروپا به‌عنوان یک متحد جدی، آن‌گونه که در گذشته بود، نگاه نمی‌کند.

از نظر ترامپ، اروپا صرفاً باید خود را با منافع اقتصادی و سیاسی آمریکا هماهنگ کند. او معتقد است آمریکا وظیفه‌ای برای کمک

ایران و روسیه در سال‌های اخیر همکاری‌های گسترده‌ای در حوزه‌های

اقتصادی، نظامی و سیاسی داشته‌اند. امضای معاهده مشارکت جامع راهبردی ۲۰ ساله بین دو کشور، که اواخر سال گذشته به امضا رسید، نقطه‌عطفی در این روابط محسوب می‌شود. این معاهده، همکاری در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و دفاعی را گسترش داده و مبنای توافق‌های دوجانبه در حوزه‌های متعدد خواهد بود. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای اخیر در روابط ایران و روسیه، اتصال سامانه‌های مالی بانک‌های دو کشور (میر و شتاب) بود که امکان تبادل مالی بین ۷۰۰ بانک روسی و بانک‌های ایرانی را فراهم کرد. این اقدام در شرایط تحریم‌های غرب علیه هر دو کشور، گامی مهم در کاهش وابستگی به سیستم‌های مالی تحت سلطه آمریکا محسوب می‌شود. علاوه بر این، کریدور شمال-جنوب که از لیه شرقی اروپا تا اقیانوس هند امتداد دارد، با سرمایه‌گذاری چند میلیارد دلاری ایران و روسیه، نمونه‌ای از همکاری‌های اقتصادی دو کشور است که نشان‌دهنده شکل‌گیری شبکه‌های تجاری جدید در اقتصاد چندقطبی جهانی است. با این وجود حجم تجارت دو کشور بسیار پایین‌تر از تجارت روسیه با کشورهای است. سفیر ایران در پکن متحد راهبردی یکدیگر محسوب نمی‌شوند. برای رفع این معضل

داشتن برنامه‌های اقتصادی مشخص و پیگیری آن‌ها توسط سفیر کاردان اقتصادی، امری اجتناب‌ناپذیر است.

ضرورت تعیین تکلیف سریع‌تر وضعیت سفر

عدم اعلام رسمی در مورد تداوم کار سفرای فعلی و یا تأخیر در تعیین سفرای جدید در چین و روسیه می‌تواند پیامدهای منفی برای دیپلماسی ایران داشته باشد. چین به دلیل روابط گسترده اقتصادی با آمریکا، ممکن است تحت فشار برای کاهش خرید نفت از ایران قرار گیرد. سفیر ایران در پکن باید با استفاده از اهرم‌های دیپلماتیک، ازجمله روابط استراتژیک ایران و چین در چهارچوب بریکس و سازمان همکاری شانگهای، این فشارها را خنثی کند. در مورد روسیه، اجرایی شدن معاهده ۲۰ ساله نیازمند نظارت دقیق و هماهنگی‌های مستمر است. بلا تکلیف گذاشتن موضوع حفظ سفرای فعلی و یا جایگزین کردن آن‌ها، برنامه‌ریزها را از مسیر ثبات و جدیت خارج می‌کند. در این صورت پیشرفت در اجرای این معاهده بسیار کند خواهد بود. علاوه بر این، سفیران ایران در پکن و مسکو می‌توانند با هماهنگی نزدیک با وزارت امور خارجه، مواضع ایران را در مذاکرات با آمریکا تقویت کنند. به همین میزان تأخیر در تعیین تکلیف وضعیت سفرا ممکن است به کاهش نفوذ ایران در این مذاکرات منجر شود.

سوابق گزینه‌های احتمالی

عبدالرضا رحمانی‌فضلی بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۶ به‌عنوان معاون امور بین‌الملل و توسعه اقتصادی استان‌ها و رئیس شورای اطلاع‌رسانی وزارت کشور فعالیت کرد. از دیگر سوابق او می‌توان به تصدی وزارت کشور در دولت روحانی، ریاست دیوان محاسبات کشور از سال ۱۳۸۷ و ریاست سازمان مؤسسات عالی حسابرسی کشورهای عضو او (اگوسا) از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ اشاره کرد.

عبدالناصر همتی، وزیر استیضاح شده اقتصاد در دولت چهاردهم، گزینه دیگر برای سفارت ایران در پکن یا مسکو است. مرتبط‌ترین سابقه همتی به سفارت چین، همان سفیری در خود چین است که برای او تنها ۶ ماه دوام داشت و پس از آن عنان بانک مرکزی به همتی سپرده شد. همتی که در سال ۱۴۰۳ به‌عنوان وزیر اقتصاد دولت چهاردهم انتخاب شده بود در نهایت با استیضاح توسط نمایندگان مجلس رکورد سریع‌ترین استیضاح در یک دولت را به نام دولت چهاردهم ثبت کرد.

سوابق دیپلماتیک کاظم جلالی، سفیر کنونی ایران در روسیه که احتمالاً به‌عنوان معاون اقتصادی وزارت امور خارجه منصوب خواهد شد را می‌توان

به سابقه او در کمیسیون امنیت ملی نسبت داد. وی در دوره‌های ششم تا دهم

مجلس، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی بود.

نظر می‌رسد زلنسکی تا حدی درحال بازی با این موقعیت است و گاهی به سمت اروپا گرایش پیدا می‌کند. بااین‌حال فشارهای ترامپ ممکن است او را وادار کند که آتش‌بس را امضا کند.

آیا اروپا ممکن است از مکانیسم اسنپک علیه ایران استفاده کند و ایران را به‌عنوان وجه المصلحت‌های برای جلب رضایت آمریکا و کسب حمایت این کشور در پرونده اوکراین قرار دهد؟ این موضوع تا چه حد جدی است و آیا آمریکا از چنین رویکردی استقبال می‌کند؟ از منظر آمریکا، حتی اگر مکانیسم اسنپک اجرا نشود، قرار گرفتن ایران در آستانه فعال‌سازی این مکانیسم می‌تواند در میز مذاکرات هسته‌ای فشار بیشتری بر ایران وارد کند که به‌نفع آمریکا خواهد بود؟

آمریکا به‌عنوان کشوری که دیگر عضو گروه ۱۰۵ نیست، نمی‌تواند مستقیماً مکانیسم اسنپک را فعال کند، اما می‌تواند اروپا را به سمت این اقدام سوق دهد. بااین‌حال به نظر می‌رسد کشورهایی مانند روسیه و چین که همچنان عضو ۱۰۵ هستند، در این زمینه نقش مؤثرتری داشته باشند. اگر شکاف کنونی بین اروپا و آمریکا که به نظر می‌رسد در آینده نیز ادامه خواهد داشت، پایدار بماند، اروپایی‌ها ممکن است در پرونده ایران مشکلاتی ایجاد کنند. به همین دلیل تأکید دارم ایران باید به هر طریق ممکن در گفت‌وگو با اروپا شود و به اروپایی‌ها تفهیم کند که قصد ندارد وارد بازی اختلافات آن‌ها با آمریکا شود. ایران باید به اروپا و آمریکا به‌صورت جداگانه نشان دهد که نمی‌خواهد در این اختلافات طرف یکی را بگیرد. هدف ایران باید لغو تحریم‌ها و همکاری با هر دوطرف، به‌ویژه اروپا باشد. وقتی وزیر امور خارجه فرانسه اظهار می‌کند که منافع اروپا باید تأمین شود، منظور او صرفاً مسائل هسته‌ای نیست. او به این نکته اشاره دارد که در شرایطی که ایران آمریکا در حال مذاکرانند و احتمالاً بحث‌های اقتصادی نیز مطرح شده، اروپا نمی‌خواهد منافعی در منطقه یا در ارتباط با ایران به خطر بیفتد. بنابراین همان‌طور که ایران باید با آمریکا به توافق برسد و گفت‌وگوهای رضایت‌بخشی داشته باشد، به همان اندازه باید با اروپا نیز مذاکره کند و این موضوع را جدی بگیرد. نباید تصور کنیم چون آمریکا نقش اصلی را در مذاکرات دارد، دیگر نیازی به توجه به اروپا نیست. این دیدگاه اشتباه است. در دوره‌ای که جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا بود، هماهنگی خوبی بین اروپا و آمریکا وجود داشت و آن‌ها می‌توانستند به‌صورت مشترک مسائل را پیش ببرند اما اکنون اختلافات بین اروپا و آمریکا عمیق‌تر شده و ممکن است در ماه‌های آینده، به‌ویژه در ارتباط با پرونده اوکراین تشدید شود.

اگر دونالد ترامپ آتش‌بسی را به اوکراین تحمیل کند و کمک‌های نظامی و مالی به این کشور را قطع نماید، اروپا به‌تنهایی توان کافی برای حمایت از اوکراین در برابر روسیه را نخواهد داشت. در چنین شرایطی، اگر ایران به اروپا بی‌توجهی کند و گفت‌وگوهای لازم را انجام ندهد، اروپایی‌ها ممکن است در پرونده‌هایی مانند اسنپک با دیگر مسائل هسته‌ای مشکلاتی ایجاد کنند. علاوه بر این، احساس می‌کنم که رافائل گروسی به‌دلیل رویکرد آمریکا که ظاهرآ به‌دنبال کنار گذاشتن آژانس و استفاده از بازرسان خود در ایران است، گرایش بیشتری به سمت اروپا پیدا کرده است. این موضوع از سوی مقامات آمریکایی چندین بار مطرح شده و اگر صحت داشته باشد، اصرار آمریکا بر تضعیف نقش آژانس و استفاده از بازرسان خود می‌تواند گروسی را به سمت همکاری نزدیک‌تر با اروپا سوق دهد. در نتیجه گروسی ممکن است در گفت‌وگوهایش با ایران مقاومت بیشتری نشان دهد و اعطاف کمتری از خود برتر دهد. اگر این تحلیل درست باشد که او به اروپا نزدیک‌تر شده، ایران باید این موضوع را جدی بگیرد و در مذاکرات خود با آژانس و اروپا محتاط‌تر عمل کند.

به اروپا در زمینه‌های مختلف، ازجمله تعرفه‌های تجاری، مسائل نظامی، امنیت یا مقابله با روسیه ندارد. در مورد ایران نیز همین رویکرد حاکم است. ترامپ می‌گوید حل مسئله ایران به اروپا ربطی ندارد. او می‌خواهد توافقی با ایران را به‌عنوان یک دستاورد بزرگ شخصی تبلیغ کند و تمایلی ندارد این توافق را با اروپایی‌ها شریک شود. این رویکرد کاملاً با روحیه ترامپ سازگار است. او نمی‌خواهد بگوید که غرب، به‌عنوان مجموعه‌ای از اروپا و آمریکا، با ایران به توافق رسیده است؛ چنین چیزی در ذهنیت او جایی ندارد. بااین‌حال واقعیت این است که ایران هم با اروپا تعاملاتی دارد و هم با مشکلاتی در این رابطه مواجه است. ممکن است ایران با آمریکا به توافق‌هایی برسد، تحریم‌ها لغو و توافقی امضا شود. اما در این میان، روابط با اروپا نیز اهمیت دارد و چالش‌هایی را به همراه خواهد داشت. اسنپک نیز در این باره باید مورد توجه قرار گیرد. مکانیسم اسنپک باید حل‌وفصل شود، زیرا این مسئله می‌تواند به‌عنوان مانعی برای لغو کامل تحریم‌های ایران که هدف اصلی ماست، خودنمایی کند. طبیعتاً اگر این موضوع حل شود، ایران می‌تواند با اروپا نیز همکاری کند.

اروپا در واکنش به رویکرد ترامپ در پرونده‌های مختلف چه اقداماتی انجام خواهد داد؟ برای مثال در مورد اوکراین شاهد بودیم که اروپا از حمایت نظامی و سیاسی از اوکراین دست نکشید و جنگ – برخلاف خواسته‌های ترامپ – همچنان ادامه دارد. در پرونده‌های دیگر، ازجمله پرونده ایران و موضوع اسنپک که مطرح شد، اروپا چگونه ممکن است واکنش نشان دهد؟ آیا در نهایت ناچار خواهد شد با آمریکا همراهی کند یا ممکن است رویکرد اختلاف‌نظر با آمریکا را ادامه دهد؟

اگر ایران بتواند بسا اروپا همکاری کند و اروپایی‌ها را متقاعد سازد که به‌دنبال سلاح هسته‌ای نیست، همان‌گونه که به‌صورت فرضی با آمریکا به توافق رسیدی، می‌تواند با اروپا نیز به توافق برسد. درواقع ایران می‌تواند نگرانی‌های اروپا را در مورد برنامه هسته‌ای خود برطرف کند. به نظر من، اروپا به‌دنبال ایجاد موانع جدی برای حل مسئله ایران نیست، برای مثال همان‌طور که اشاره شد، اظهارات وزیر امور خارجه فرانسه در شورای امنیت تا حدی نوعی باج‌خواهی بود. در مذاکرات براجام نیز شاهد بودیم که فرانسه چنین رویکردی داشت و می‌گفت: «حالا که شما با آمریکا به توافق می‌رسید، سهم ما چیست؟» اما این مسائل را می‌توان، همان‌طور که در جریان براجام با گفت‌وگو با اروپا و به‌ویژه فرانسه حل شد، اکنون نیز از طریق مذاکره برطرف کرد.

در مورد اوکراین که به آن اشاره کردید، باید گفت حمایت ترامپ از اوکراین کامل نیست. درواقع آمریکا در مورد شبه‌جزیره کریمه که هم برای اوکراین و هم برای اروپا مسئله‌ای حیاتی است، موضع متفاوتی دارد. اروپا به ولودیمیر زلنسکی اطمینان داده است که در برابر سیاست‌های ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه کوتاه نیاید. اما بخشی از سیاست‌های جدید ترامپ در قبال زلنسکی و اوکراین ناشی از لجبازی با پوتین است، برای مثال در روز پیش ترامپ اظهاراتی مطرح کرد مبنی بر اینکه پوتین ظاهراً به‌دنبال صلح نیست و قصد دارد آمریکا را فریب دهد. بااین‌حال سیاست کلی دولت آمریکا در قبال اوکراین تغییر نکرده است. آمریکا همچنان معتقد است که مناطق شرقی اوکراین که اکنون تحت کنترل روسیه‌اند باید به روسیه واگذار شوند. اروپایی‌ها در این موضوع کاملاً از اوکراین حمایت کرده‌اند، اما به

فرهیختگان

فرهیختگان

چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۴

شماره ۴۳۹۹

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

فرهیختگان

فرهیختگان

فرهیختگان